



نقش عقل در شکل‌گیری فعل اخلاقی از دیدگاه قطب‌الدین رازی

عین‌الله خادمی^۱، عارفه پوشیان جویباری^۲

چکیده

چگونگی شکل‌گیری افعال اخلاقی از دیر باز مورد توجه فیلسوفان مسلمان بوده است. قطب‌الدین رازی نیز با تلقی خاص خود از عقل، آنرا مبدء ادراک و فعل می‌داند و نقش این قوه را در شکل‌گیری افعال اخلاقی مورد بررسی قرار داده است. لذا با توجه مکتوبات وی می‌توان سه وجه شکل‌گیری تصورات احکام اخلاقی، نقش معرفت‌شناسانه و تأثیر انگیزشی در انجام افعال اخلاقی را از وظایف عقل برشمرد. قطب‌الدین رازی نقش گسترده‌ای برای عقل قائل است، براین اساس معتقد است بدون تمسک به این قوه فعل اخلاقی شکل نمی‌گیرد. البته وی توانمندی عقل را در مواقعی محدود دانسته که نیازمند یاری شرع است.

واژگان کلیدی: عقل، فعل اخلاقی، احکام اخلاقی، ملاک فعل اخلاقی، شرع

مقدمه

بحث در زمینه افعال اخلاقی و چگونگی شکل‌گیری آن در آثار فیلسوفان مسلمانی چون ابن‌سینا (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۸۵؛ همو، ۲۰۰۷، ص ۶۳؛ ابن‌سینا، ۱۴۰۴، ص ۳۸۲) و ملاصدرا (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ همو، ۱۳۵۴، ص ۲۵۹؛ همو، ۱۳۶۳، ص ۵۱۵) به چشم می‌خورد. این فیلسوفان از دیر باز کوشیدند تا چگونگی شکل‌گیری افعال اخلاقی و عواملی را که در آن تأثیر مثبت و منفی دارند، بازشناسی کنند. ایشان عواملی چون تحصیل غیر غریزی، ریشه در درون داشتن و رابطه با کمال مطلوب را از معیارهای این دسته از افعال دانسته‌اند؛ به طور مثال ملاصدرا اخلاق را منبعث از عقل که از نیروهای درونی آدمی است می‌داند که موجبات سعادت نفس را فراهم می‌سازد.

قطب‌الدین رازی از جمله فیلسوفان مسلمانی است، که در یگانه اثر فلسفی خویش، شرح بر الاشارات و التنبیهاات افعال اخلاقی را مورد بررسی قرار داده است. از نظر وی شرایط و عواملی برای انجام این دسته از افعال از سوی آدمی مؤثر است. یکی از این عوامل تأثیر عقل است. مسأله اصلی پژوهش در این است که از منظر قطب‌الدین رازی عقل در شکل‌گیری فعل اخلاقی چه نقشی دارد؛ کندوکاو در این امر در گرو پاسخگویی به پرسشهای ذیل است: مراد قطب‌الدین رازی از عقل چیست؟ ملاک فعل اخلاقی از دیدگاه

^۱ دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران، e_khademi@ymail.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، تهران، ایران، a.poshin@yahoo.com



قطب الدین رازی چیست؟ از نظر قطب الدین رازی وجوه تأثیر عقل در شکل گیری افعال اخلاقی چگونه است؟

در ابتدا به توضیح عقل و ملاک فعل اخلاقی از دیدگاه این فیلسوف پرداخته و سپس به تأثیر این قوه نفس ناطقه بر فعل اخلاقی توجه میشود.

عقل از دیدگاه قطب الدین رازی

در فلسفه قطب الدین رازی عقل به مثابه توان و نیرویی است؛ که نفس ناطقه به واسطه آن از سایر نفوس برتری یافته و اشرف مخلوقات قرار گرفته است. این توانایی از خصوصیات برخوردار است که عبارتند از:

۱. مبداء ادراک است؛ بدین معنی که نفس به واسطه این توانایی به استنباط احکام مورد نیاز علوم می پردازد.
۲. خصوصیت بعدی این است که عقل پس از ادراک به اجرای آن دسته از احکامی که جنبه عملی دارد، می پردازد و در واقع مبداء عمل نیز محسوب میگردد. قطب الدین رازی با پیروی از فیلسوفان قبلی به خصوص ابن سینا برترین ویژگی عقل را اتصال به عالم عقول مجرده و اداراک معقولات میداند؛ که در این ادراک هیچ اشتباهی راه ندارد. وی برای عقل نقش گسترده ای قائل است، تاجائیکه آنرا سلطان قوای روحانی می نامد. (الرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۵۶) با توجه به خصوصیات عقل انسان افعال وی را می توان بر دو قسم دانست که در ادامه به توضیح آن پرداخته میشود.

۱. افعال طبیعی و عقلانی

در نگاه نخست افعال آدمی را می توان بر دو قسم دانست.

۱. قسم نخست افعالی است که انسان با حیوانات دیگر در آنها شریک است و به طور طبیعی این افعال را جهت یابی می کند. مراد از طبیعی بودن جهت یابی این است که انسان با قوای محرکه خویش خود به خود و با غریزه، بدون درک عقلانی، این افعال را انجام می دهد و اراده عقلانی دخل و تصرفی در آن ندارد. چنانکه دستگاه تنفس و دستگاه گوارش انسان خودبه خود و حتی بدون آگاهی انسان وظایف خویش را انجام می دهند مانند زمانی که وی در خواب و یا در حالت بیهوشی بسر می برد. با توجه به آنچه گفته شد این قسم، افعال طبیعی نامیده می شود.

۲. قسم دیگر افعالی است که تفکر و تعقل و اراده عقلانی درانجام آن دخیل اند و انسان از روی علم و آگاهی آنها را انجام میدهد. به همین علت است که این دسته از افعال عقلانی نامیده میشود. مانند درس خواندن، کمک به نیازمند، ورزش کردن و..... که براساس تفکر و با اختیار صورت می پذیرد. بر اساس تعریف افعال عقلانی طیف وسیعی از اعمال و رفتار انسانی در این قسم قرار میگیرند و می توان آنها را عقلانی نامید. (حائری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳-۲۲۴) قسم اخیر از افعال بر دو دسته قابل قسمت است که عبارتند از:

۱. افعال عقلانی اخلاقی

۲. افعال عقلانی عادی

در هر دودسته مذکور تعقل و اراده عقلانی شرط لازم و ضروری انجام فعل از سوی انسان است؛ که عامل تشابه آنها نیز محسوب میگردد. علی رغم این تشابه عواملی نیز وجود دارد که موجبات تمایز آنها را فراهم می سازد، که در ادامه با بیان معیار افعال عقلانی اخلاقی این عامل تمایز تبیین می گردد.



۲. معیار افعال عقلانی اخلاقی

در زمینه شناخت افعال عقلانی اخلاقی و چگونگی تمایز آن از افعال عقلانی عادی سخن فراوان است و از گذشته تا کنون اندیشمندان نظرات متفاوتی را ارائه داده اند، که در نتیجه آن مکاتب مختلفی پدید آمده است. اما آنچه در این مبحث اهمیت دارد تبیین ملاک فعل اخلاقی از نظر قطب الدین رازی است و اینکه در نظام اخلاقی وی مرز میان این دو فعل چیست؟ که با بررسی مکتوبات وی می توان ملاک فعل اخلاقی را در سه جهت دانست که عبارتند از: (الرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۵۶)

۱-۲. غیر غریزی و اکتسابی بودن

نخستین خصوصیت فعل اخلاقی، غیر غریزی و اکتسابی بودن آن است. غیر غریزی بودن این دسته از افعال بدین معنی است که با تفکر و تعقل و در نظر گرفتن حکم عقل و شرع صورت می پذیرند و عمومیت دارند. به عنوان مثال نیکی کردن مادر به کودک خویش، بر مبنای این ملاک، فعل اخلاقی به شمار نمی رود؛ زیرا این عمل نه از عقل و شرع نشأت گرفته و نه عمومیت دارد. بلکه عشق و محبت مادری در سرشت هر مادری نهاده شده است و وی خود به خود و بی اراده عشق و محبت خویش را نثار فرزندش می کند. اما عمومیت نداشتن آن بدین خاطر است که این محبت محدود به فرزند بوده و وی چنین احساسی را نسبت به فرزند همسایه ندارد.

۲-۲. ریشه در درون داشتن

خصوصیت دیگری که بیانگر اخلاقی بودن فعل است نشأت گرفتن فعل از درون آدمی است؛ بدین معنی که فرد پس از تفکر و تعقل با میل و اراده خویش آن فعل را انجام دهد و عامل خارجی فرد را وادار به انجام آن نسازد. لذا عملی مانند نماز خواندن که مورد تأیید شرع و عقل است در صورتی که به اجبار عامل خارجی مانند اولیای مدرسه صورت پذیرد و اراده و میل فرد در آن هیچ دخالتی نداشته باشد نمی توان آنرا اخلاقی نامید.

۳-۲. ارتباط با کمال مطلوب

خصوصیت دیگر این دسته از افعال رابطه ایست که با کمال نهایی و مطلوب انسان دارند. این ارتباط بدین معنی است که فرد در پی عمل به فعل به کمال خویش نزدیک شده، در این صورت آن فعل اخلاقی محسوب می‌گردد.

قطب الدین رازی کمال مطلوب را دستیابی به لذات نامتناهی دانسته که در این دنیا دست یافتنی و سعادت اخروی انسان را به دنبال دارد. (رازی، ۱۳۷۵، المحاکمات بین شرحی، ص ۳۵۴) با وجود آنکه هر یک از ملاک های مذکور از جایگاه ویژه ای برخوردار است، اما خصوصیت اخیر بر خصوصیات دیگر برتری دارد؛ زیرا ممکن است فعلی غیر غریزی بوده و فرد پس از تفکر و تعقل و با میل و اراده آن را انجام دهد اما به دلیل عدم تضمین کمال فرد، اخلاقی محسوب نمی گردد. به عنوان مثال تحصیل علم زمانی فعلی اخلاقی است که موجبات حصول کمال مطلوب را برای انسان فراهم سازد.



با توجه به آنچه گفته شد عامل تمایز فعل اخلاقی از فعل عادی، رابطه ایست که فعل اخلاقی با کمال مطلوب انسان دارد. لذا می توان از هر فعل عقلانی ای که سبب نزدیکی فرد به کمال وی شود با عنوان فعل اخلاقی یاد کرد.

۳. وجوه تأثیر عقل نظری بر فعل اخلاقی

با توجه به تلقی خاص قطب الدین رازی از قوه عاقله وجوه تأثیر بخشی نفس ناطقه از جهت این قوه بر سه قسم قابل قسمت است: ۱. تصورات احکام اخلاقی؛ ۲. تأثیر معرفت شناسانه؛ ۳. تأثیر انگیزشی

۱-۳. تصور احکام اخلاقی

احکامی که در اخلاق مطرح میشود مانند احکام سایر علوم متشکل از موضوع و محمولی است؛ مانند سخاوت نیکو است و یا شجاعت فضیلت است. در قضایای ذکر شده سخاوت و شجاعت موضوع آنها محسوب میگردند. قطب الدین رازی این موضوعات را منبعث از قوه عاقله دانسته است؛ بدین صورت که نیروی شهوت و غضب هرگاه مطیع این قوه گردند به ملکه عدالت نائل میشوند. عدالت نیز به معنای وسط بودن عقل در هر خلقی و یا برکنار بودن آن از ورطه افراط و تفریط است. البته موضوع قضایایی اخلاقی که دارای جنبه ضد کمالی از جهت افراط و تفریط است؛ (مانند بخل بد است و جبن زشت است) نیز تصوراتی نشأت یافته از عقل است زیرا نشان دهنده انحراف از مسیر عدالت است. اما محمول این قضایا که معمولا تصوراتی چون فضیلت، رذیلت و یا تصوراتی از این قبیل است، مفاهیمی هستند که رابطه تنگاتنگی با سعادت انسان داشته و به ترتیب به معنای علت سعادت مندی انسان و مانعی برای سعادت وی است. اما بر مبنای دیدگاه قطب الدین رازی در بحث از سعادت در زمینه کیفیت پیدایش این تصورات چنین استنباط میشود، از آنجا که حصول سعادت نهایی نفس ناطقه توسط قوه عاقله صورت می پذیرد. لذا مفاهیمی چون علت و عامل سعادت مندی و مانع آن نیز باید توسط این قوه استنباط گردد. (الرازی - الباغنوی، ۱۳۸۱، ص ۴۴۶ - ۴۴۸)

۲-۳. تأثیر معرفت شناسانه

تأثیر معرفت شناسانه دومین جنبه تأثیرگذاری قوه عاقله بر افعال اخلاقی است. مراد از این تأثیر نقشی است که قوه عاقله در دستیابی به احکام اخلاقی دارد. در این عرصه نیز قطب الدین رازی سهم زیادی برای این قوه قائل است؛ (الرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۵۳-۳۵۶) به این صورت که وی قضایای اخلاقی را به دو نوع بدیهی و نظری و کلی و جزئی تقسیم میکند. قضایای بدیهی و کلی نقش حساسی در دستیابی به قضایای جزئی و غیر بدیهی ایفا میکنند؛ چراکه بدون وجود قضایای بدیهی و کلی درهای علم و دانش بسته میشود. اما قضایای کلی اخلاقی نسبت به سایر تصورات آدمی حالت تساوی دارد؛ لذا منجر به فعل اخلاقی نمیگردند. براین اساس این توانایی برای دستیابی به فعل اخلاقی نیاز به قضایای جزئی دارد که این قضایا را با به کارگیری تصورات بدیهی و تطابق آنها با قضایای غیر بدیهی از طریق قیاس به دست می آورد. به عنوان مثال شخصی چنین تصور می کند، که (اگر به دوست خویش خیانت کنم، برای من سودمند است) اما با تصرف در امور کلی و بدیهی مانند (انسان نباید اعمال ناشایست را انجام دهد) به نتیجه کلی (نبايد به



دوستان خیانت کرد (دست می یابد. در اینجا این نتیجه کلی به فرد در انجام عمل کمک می کند. البته به دلیل کلی بودن نسبت به همه جزئیات حالت تساوی داشته، لذا منجر به عمل نمی شود. برای تحقق این امر رأی جزئی (زید دوست من است) به مقدمه کلی بدست آمده، ضمیمه می گردد و قیاسی جدید ایجاد می شود؛ که صغرای قیاس امری جزئی، و کبری آن کلی است. نتیجه ای که بدست می آید، این است: (نباید به زید خیانت کرد). البته قطب الدین رازی تنها قضایای کلی نخستین که قضایای کلی دیگر از آنها نشأت می یابد را به عقل نسبت می دهد و به چگونگی شکل گیری آن اشاره نکرده است.

۳-۳. تأثیر انگیزشی

قطب الدین رازی یکی از خصوصیات عقل را مبداء فعل و حرکت میدانند. لذا از دیدگاه وی یکی از وجوه تأثیرگذاری این نیرو بر فعل اخلاقی تأثیر انگیزشی آن در شکل گیری افعال اخلاقی است. (الرازی، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۳۵۲-۳۵۴) این تأثیر به معنی نقشی است که عقل در مبادرت به فعل اخلاقی ایفاء میکند. در توضیح این مطلب باید گفت: مراحل شکل گیری افعال عقلانی عبارتند از: ۱. تصور فعل؛ ۲. تصدیق به فایده آن خواه در جلب منفعت و خواه در دفع ضرر؛ ۳. شوق به انجام دادن فعل؛ ۴. اراده یا شوق مؤکد؛ ۵. نیروی حرکتی بدن. (سلیمانی، ۱۳۸۴، ص ۶۴) از آنجا که فعل اخلاقی از اقسام افعال عقلانی است، لذا شامل چنین مقدماتی میشود. اما خصوصیت اخیر عقل را - مبداء ادراک بودن - باید مساوی با شوق دانست؛ زیرا شوق حالتی است که نفس فعل را ملایم با خویش می یابد و حالت انفعال نفس نسبت به چیزی است که به ادراک آن درآمده است و انگیزه لازم برای اجرای فرامین صادره از احکام اخلاقی را در فرد فراهم میسازد. اما فعل انسان برآیند گرایشهای مختلف حاصل از قوه عاقله، غضبیه و شهوانی است که می تواند شوق های متعددی را در انسان برانگیزد. لذا در چنین شرایطی شوق برای صدور فعل کافی نیست بلکه شوق اکید موجب غلبه قطعی یک شوق بر سایر تمایلات مخالف آن میگردد و شرایط انجام فعل محقق میگردد. اگر انسان به ملکه عدالت دست یابد همواره مطیع عقل گردیده تنها فعل اخلاقی از آن صادر میگردد.

۴. محدودیت قلمرو عقل در استنباط احکام اخلاقی

اگرچه عقل در کار شناخت معارف و حقایق هستی در مراحل مختلف تا حد زیادی توانایی دارد، اما در برخی مراحل هم ناتوان است؛ یعنی توانایی حصول شناخت در همه امور را ندارد و چیزهایی هست و یا خواهد بود که عقل از درک آنها به خودی خود ناتوان است. اما وقتی عقل به آن حقایق توجه داده شود و آن موضوعات به صورت صحیح و درست به عقل ارائه گردد، آنگاه عقل بر ادراک و تصدیق آنها توانایی پیدا میکند. محدود بودن قدرت عقل در شناخت و حصول معرفت به تمام هستی، چیزی است که خود عقل به ما می گوید و به آن حکم میکند و از اینجاست که انسان برای درک حقایق هستی و معارف الهی، به دو حجت نیازمند است: ۱. حجت ظاهری که پیامبران و ائمه (ع) هستند؛ ۲. حجت باطنی نیز نیروی درونی آدمی است و عقل نامیده میشود. انسان به واسطه حجت باطنی به دنبال حجت ظاهری میگردد تا آن را یافته و هادی و معلم خویش در شناخت معارف و حقایق ایمان قرار دهد و از او پیروی کند. قطب الدین رازی علی رغم نقش گسترده ای که برای این قوه قائل میشود؛ اما معتقد است عقل در شناخت بعضی از مسائل محدود بوده و نیازمند هدایت



و یاری خداوند است. (رازی، ۱۳۷۵، ج. ۱، ص ۴) لذا این قوه قضایای نخستین اخلاقی که به واسطه آن قضایای جزئی زمینه ساز انجام افعال اخلاقی را به واسطه یاری شرع استنباط میکنند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار سعی بر آن شد تا تأثیر عقل بر شکل‌گیری افعال اخلاقی از دیدگاه قطب‌الدین رازی مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب باید گفت که وی در نظام اخلاقی و اساساً در نظام فکری خویش کار خود را با نقش گسترده‌ای که برای این قوه مختص نفس ناطقه در نظر می‌گیرد، آغاز می‌کند. قطب‌الدین رازی معتقد است، بدون تمسک به عقل هیچ فعل اخلاقی‌ای شکل نمی‌گیرد. البته در نگاه نخست افعال انسانی را با توجه به دیدگاه قطب‌الدین رازی در اثرش باید بر دو قسم دانست. قسم نخست افعالی است که وی با حیوانات دیگر در آن شریک بوده و خود به خود و بدون اراده عقلانی آنرا انجام می‌دهد. قسم دیگر افعال است که انسان به واسطه تعقل و با اراده عقلانی آنرا انجام می‌دهد و وی به واسطه این دسته از افعال از سایر حیوانات متمایز می‌شود. البته افعال عقلانی در شرایطی که از درون آدمی نشأت گرفته و با تعقل و اراده عقلانی همراه گردد و موجبات کمال انسانی را فراهم سازد فعل اخلاقی نامیده می‌شود. اما جهات تأثیر گذاری عقل بر فعل اخلاقی را در سه جهت ایجاد تصورات احکام اخلاقی، نقش معرفت‌شناسانه و نقش انگیزشی می‌داند. قطب‌الدین رازی معتقد است عقل علی‌رغم تمام توانمندی خویش محدود بوده و نیازمند اطلاعاتی است که شرع در اختیار وی قرار می‌دهد تا در استنباط احکام و اجرای آنها از این اطلاعات بهره‌مند گردد.

مراجع:

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۷۵، *الاشارات والتنبيهات*، قم، نشر البلاغۃ
همو، ۱۴۰۴، *الطبیعیات الشفاء*، تصحیح سعید زاید، جلد ۲، قم، مکتبه‌المرعشی
همو، ۲۰۰۷، *رساله احوال النفس*، پاریس، داربیبلیون
دیوانی، امیر، ۱۳۸۹، دیدگاه ابن سینا درباره نقش خرد در مقام عمل بر سعادت اخروی، مجله نقد و نظر،
سال پانزدهم، شماره سوم
حائری یزدی، مهدی، ۱۳۸۴، کاوش‌های عقل عملی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
رازی، قطب‌الدین، ۱۳۷۵، *المحاكمات بین شرحی الاشارات*، جلد ۱، قم، نشر البلاغۃ
رازی، قطب‌الدین، ۱۳۷۵، *المحاكمات بین شرحی الاشارات*، جلد ۲، قم، نشر البلاغۃ
همو، ۱۳۷۵، *المحاكمات بین شرحی الاشارات*، جلد ۳، قم، نشر البلاغۃ
رازی - الباغنوی، ۱۳۸۱، *المحاكمات بین شرحی الاشارات*، مقدمه و تصحیح مجید هادی زاده، تهران،
میراث مکتوب
سلیمانی، فاطمه، ۱۳۸۴، بررسی اراده انسان از دیدگاه فلاسفه و متکلمین، فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی،
سال نهم، شماره سی و سی و یک



شیدان شید، حسینعلی، ۱۳۸۳، ارتباط عقل و اخلاق از دیدگاه هیوم، مجله اندیشه های فلسفی، سال اول، شماره اول

شیرازی، صدرالدین محمد، ۱۳۶۰، *الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة*، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، مرکز الجامعی للنشر

همو، ۱۳۵۴، *المبداء والمعاد*، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران

همو، ۱۳۶۳، *مفاتیح الغیب*، تصحیح محمد خواجوی، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی

